

خدایا متشکرم



محمد تقی صرفی پور



شاكر

فان الله شاكر عليم ¹

خداوند شاكر است يعنى از بندگان مطيعش كه به دستورات او عمل كردند هم در دنيا و هم در آخرت تشكر مى كند. پس ما هم بايد اين چنين باشيم و كسى كه به ما نعمتى ميدهد از او تشكر كنيم.

علامه طباطبائي مى فرمايد: «خداوند نيكوكار و قديم الاحسان است و همه خيرات از وجود او سرچشمه مى گيرد، كسى بر او حقي ندارد . تا از او انتظار شكر باشد، ولى در عين حال، خداى بزرگوار اعمال نيك بندگان خود را نوعى احسان در حق خويش تلقى مى كند آنگاه پاداش اعمال آنها را شكر مى نامد . و بر اين اصل مى فرمايد: «هل جزاء الاحسان الا الاحسان.² با دادن پاداش تحقق مى بخشد . و در آيه ديگر مى فرمايد: «ان هذا كان لكم جزاء و كان سعيكم مشكورا»³ (اين پاداشى مقرر شما است و از سعي شما تقدير مى شود).

يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَ مَشْكُورٍ⁴ اى بهترين سپاسگزار و سپاس شده

¹ بقره، 158

² «الرحمن، 60

³ انسان، 22

⁴ جوشن كبير-فراز 95

ماهم باید اینگونه باشیم و از کسی که به ما احسان و خوبی کند باید تشکر کنیم. در این صورت رنگ خدا به خود گرفته ایم.

شکر گزاری از خداوند در راس همه تشکرها

خداوند کریم انقدر به ما نعمت داده که به هیچ وجه نمی توانیم از عهده شکر اینهمه نعمتها بر آییم

«إِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا»^۵

اگر نعمت خدا را شماره کنید نمی توانید آن را حساب کنید.

از دست و زبان که بر آید؟ وز عهده شکرش به در آید

حضرت سجاد(ع) در یکی از مناجات هایشان می فرمایند: اگر من به زبان، شکر تو را می گویم این زبان مال توست، این توفیق هم مال توست، من بر همین شکر خود باید شکر دیگری به جا آورم؛ لذا عاجز از تشکر تو هستم.

ولی باندازه توانمان باید از خدا بابت نعمتهایی که داده و می دهد تشکر کنیم.

در اینجا فقط به چند تا از نعمتهایی که به هر انسانی خداوند عطا کرده اشاره می کنم تا بدانیم نمی توانیم از عهده شکر خدا بر بیاییم:

^۵ ابراهیم: آیه ۳۴.

انسان به طور متوسط در هر روز ۲۳ هزار بار نفس می کشد. که این مقدار تا پایان عمر ۶۰۰ میلیون بار خواهد بود.(آیا می توانیم فقط برای شکر این یک نعمت 600میلیون بار تشکر کنیم؟)

اگر دو سوم کبد انسان با جراحی برداشته شود، در چهار هفته اول دوباره به سبب اولیه خود شکل می گیرد.

۱۰۰ هزار واکنش شیمیائی در هر ثانیه در مغز انسان روی می دهد.

بدن از **7.000.000.000.000.000.000.000.000** اتم تشکیل شده است .

چشم‌ها می‌توانند بین **2.3** تا **7.5** میلیون رنگ مختلف را تشخیص دهند .

بینی می‌تواند یک تریلیارد بوی مختلف را تشخیص دهد .

دانشمندان حدود ۵۰۰ عملکرد کبد را کشف کرده‌اند.

قلب در هر سال ۳۵ میلیون بار در سال تپش دارد. قلب ۳ میلیارد مرتبه در عمر متوسط انسان می‌تپد.

قلب انسان حدود **100** هزار بار در روز می زند، در دقیقه **5.5** لیتر خون پمپ می‌کند که می‌شود حدود **3** میلیون لیتر خون در سال .

۱۰۰ میلیارد گلوبول قرمز در هر روز و حدود دو میلیون گلوبول قرمز در هر ثانیه در بدن تولید می‌شود.

۷۰ درصد از بدن ما را آب تشکیل داده است.

ناخن انسان یکی از محکم‌ترین مواد است. حاوی کراتین است که در شاخ کرگدن نیز یافت می‌شود و بعد از مرگ نابود نمی‌شود.

استخوان ران یک انسان **83** کیلوگرمی می‌تواند وزن **16** هزار نفر را که همزمان روی آن بایستند، تحمل کند .

هر شخص به طور میانگین در طول زندگی اش نزدیک به 24 هزار لیتر بزاق تولید می‌کند. این مقدار برای پرکردن دو استخر شنا کافیهست.

خون مسیر زیادی را در هر لحظه در بدنتان طی میکند. تقریباً نزدیک به 100 هزار کیلومتر مسیر خونی در بدن وجود دارد.

در یک جفت پا 500 هزار غده تولید عرق در حال فعالیت است که می‌توانند روزانه نیم لیتر عرق تولید کنند.

خطوط روی زبان هر فردی منحصر به خود اوست و هیچ دو نفری اثر زبان یکسان ندارند.

طول مجموعه ی رشته های عصبی موجود در بدن انسان حدود ۷۵ کیلومتر است.

اگر مغز انسان را کامپیوتری در نظر گیریم میتواند در هر ثانیه 38 هزار تریلیون عملیات را اجرا کند، قویترین کامپیوتر جهان به نام BlueGene در یک ثانیه می‌تواند تنها 2٪ این کار را انجام دهد

« ... وَ إِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ۖ

و یاد کن موقعی که اعلام فرمود پروردگار شما که هر آینه اگر شکر کردید، من برای شما زیاد می‌کنم

شکر نعمت نعمت ات افزون کند

کفر نعمت از کفت بیرون کند

یکی از آثار شکر نعمت، افزون شدن نعمت است. خدا بیشتر نعمت می دهد.

یعنی اگر انسان از خداوند بابت نعمتهایی که به او داده تشکر کند خداوند باز به او نعمتهای بیشتری عطا می فرماید که رسول خدا که شاکر ترین انسان بوده است فرمود هیچ شب و روزی نیست مگر اینکه خدا به من عطیه ای عنایت می کند.

چگونه انسان از خدا تشکر کند؟

امام صادق علیه السلام فرمود: شکر نعمت، دوری از گناه است و نیز فرمود: شکر آن است که انسان نعمت را از خدا بداند (نه از زیرکی و علم و عقل و تلاش خود یا دیگران) و به آنچه خدا به او داده راضی باشد و نعمتهای الهی را وسیله ی گناه قرار ندهد، شکر واقعی آن است که انسان نعمت خدا را در مسیر خدا قرار دهد.

کفران نعمت عامل از دست دادن نعمت ها

بدترین مردم کسانی اند که ⁸ امام علی (ع) می فرماید: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ...؛ «شکر نعمت را به جای نمی آورند».

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ الْعَامِلُ فِيمَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ بِالشُّكْرِ وَ أَبْغَضُهُمْ إِلَيْهِ الْعَامِلُ فِي نِعْمِهِ بِالْكَفْرِ.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: محبوب ترین مردم نزد خداوند، بندگان شاکری

هستند که با استفاده درست و خداپسندانه از نعمت های خدا، شکر آن را به جا می

⁷ تفسیر نور ، ذیل آیه 7 سوره ابراهیم

⁸ غررالحکم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، ج 4، ص 170، ح 5705.

آورند، و مبعوض ترین مردم نزد خدا، مردمی هستند که با استفاده نامشروع از نعمت

های خدا، کفران نعمت و ناسپاسی می کنند.⁹

معمولا انسان ها ناسپاس هستند مگر مومنین. در این رابطه قران کریم می فرماید:

((قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ))¹⁰ بندگان شکر گزار من کم هستند!

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ¹¹

حقاً که خداوند دارای فضل و بخشش بر مردم است ، و لکن بیشتر مردم سپاس نمی گزارند.

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَٰلِكَ¹²
مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

و از دین و آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کرده ام ما (خانواده) را
نستزد که هیچ چیزی را شریک خدا سازیم. این (توحید و هدایت) از فضل خداست بر
ما و بر همه مردم ، لکن بیشتر مردم سپاس نمی گزارند.

ان الانسان لظلوم كفار : انسان ستمگری ناسپاس است (ابراهیم، 34)، « كان » :
انسان بسیار ناسپاس است (اسراء، 67)، (ان الانسان لكفور : انسان : الانسان كفورا
ان الانسان لربه لکنود : همانا انسان به پروردگار)، «66 بسیار ناسپاس است (حج،

⁹ مستدرک الوسائل ج 11 ص 353

¹⁰ سبأ (34): 13.

¹¹ غافر 61

¹² يوسف 38

قتل الانسان ما اكفره : کشته باد انسان چه » (خویش ناسپاس است) عادیات، 6 ،
به درستی که او نومید ناسپاس است : ناسپاس است (عبس، 17)، (انه لیئوس کفور
(هود، 9) ، ان الانسان لکفور مبین : انسان بسیار ناسپاس و کفرش آشکار است
(زخرف، 15) .

ثُمَّ لَا تَنبَهُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ
شاکرین¹³

(شیطان گفت) بر آن راه کمین می کنم، آن گاه از پیش روی آنان و از پشت سرشان و
از طرف راست و چپشان به سراغ آنان می روم، در نتیجه بیشترشان را شکر گزار نعمت
های خود نمی یابی!

آری اگر انسان کفران نعمت کرد و در مقابل عطاى الهی، نافرمانی خداوند کرد نعمت از
او گرفته می شود.

:علی علیه السلام در یکی از کلمات حکمت آمیز خود در نهج البلاغه می فرماید

:إذا وصلت اليكم اطراف النعم فلا تنفروا اقصاها بقله الشكر

هنگامی که مقدمات نعمتهای خداوند به شما میرسد مبادا با کمی شکرگزاری آن را از
»¹⁴ دست بدهید!"

چگونه نعمت از قوم سباء گرفته شد؟

¹³ اعراف 17

¹⁴ نهج البلاغه کلمات قصار شماره 13.

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ «
بَلَدَهُ طَيِّبُهُ وَرَبُّ غَفُورٌ»؛

قطعاً برای [مردم] سبا در محل سکونت‌شان نشانه [رحمتی] بود، دو باغستان از راست و
چپ [به آنان گفتیم] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید، شهری است
خوش و خدایی آمرزنده» (سبأ / 15)

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَ
شَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ

پس روی گردانیدند و بر آن سیل [سد] عرم را روانه کردیم و دو باغستان آنها را به «
دو باغ که میوه‌های تلخ و شوره‌گز و نوعی از کنار تنک داشت، تبدیل کردیم.» (سبأ /
16)

ذَلِكَ جَزَايَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ^{۴۵}

ما آنها را به سزای کفر و کفرانشان این گونه مجازات کردیم ، و آیا جز انکارکننده و
ناسپاس را مجازات می کنیم؟

آری! قوم سبأ ناشکری کردند و خداوند نعمت را از آنها گرفت. پس ما باید مواظب
باشیم که اگر ناشکری کردیم از ماهم نعمتها گرفته می شود. نعمتی که از قوم سبا
گرفته شد یکی نعمت سرسبزی و آبادانی و محصولات خوب کشاورزی و باغداری بوده
است بقول معروف انجا بهشت بوده است اما در نتیجه ناشکری، ناگهان سیل الهی سر
رسید و انجا را به ویرانه ای تبدیل کرد.

ناشکری قوم عاد

قوم عاد قوم عاد در سرزمین احقاف، بین یمن و عمان، می زیستند. نعمتهای فراوان الهی از زمین حاصلخیز و باغستان های فراوان شامل حالشان بود و آنان همچنان به بت، سجده می کردند تا حضرت هود به پیامبری مبعوث گردید. اما مردم از پذیرش دعوت الهی او روی برتافتند، او را بی خرد و بد اخلاق خطاب کردند و کفران نعمت های الهی کردند پس مدتی نگذشت که غباری سیاه آسمان را پوشاند و بادی ویران گر وزیدن گرفت.^{۱۶} آنچنان که چارپایان و آدمیان و اثاثیه را از جا برمی کند و به اطراف می کوبید و ستمکاران را نابود می ساخت و تا هفت شب و هفت روز ادامه پیدا کرد.^{۱۷}

داستان خارکن که ابتدا ناسپاسی کرد!

خارکنی که به سختی گذران معیشت می کرد روزی حضرت موسی(ع) را می بیند که عازم کوه طور و گفت و گو با خداوند است از موسی می خواهد که از خدا بخواهد روزی بدون زحمتش نصیب او کند!!!

دید موسی را که می شد سوی طور

گفت از بهر خداوند غفور

از خدا در خواه تا هر روزی ام

می فرستد بی زحیری روزی ام

حضرت موسی(ع) به کوه طور می رود و پیام پیر خارکن را به حق تعالی می رساند. حق تعالی می فرماید که به او بگو که فقط دو حاجت می تواند از من طلب کند

¹⁶ سورة قمر، آیه 19.

¹⁷ سورة حاقه، آیه 7.

باز آمد موسی و گفت از خدا
نیست جز دو حاجت اینجا روا

اگر تا همین جای داستان به ذهن خواننده همان مشکل قدیمی یعنی حضور پیامبر خدا و
از آن بالاتر صحبت با ذات حق، خطور کرده است باید گفت که در فیلمنامه می‌توان این
بخش از داستان را با توسل به شیوه‌های سنتی در کارتونهای «هزار و یک‌شبی» یعنی
پیدا کردن چراغ جادو یا شیشه‌ی عمر غول و نظایر آن به شکل دیگری تأمین کرد. به
لحاظ داستانی، اهمیت در روبه‌رو شدن مرد خارکن با دو آرزو است

مرد شد در دشت تا خار آورد
و آن دو حاجت نیز در کار آورد
پادشاهی از قضا در دشت بود
بر زن آن خارکش بگذشت زود
صورتی می‌دید بس صاحب جمال
در صفت ناید که چون شد در جوال
شاه گفتا کیست او را بارکش
آن یکی گفتا که پیری خارکش
در زمان فرمود زن را شاه دهر
تا که در صندوق بردندش به شهر

وقتی پیر خارکش از بیابان به کلبه‌ی خود باز می‌گردد، اطفال خویش را گریان و نالان از
دوری مادر می‌بیند

دید طفلان را جگر بریان شده
در غم مادر همه گریان شده
باز پرسید او که مادر تان کجاست
قصه پیش پیر برگفتند راست
پیر، سرگردان شد و خون می گریست
زانکه بی زن هیچ نتوانست زیست

در اینجا پیر از درماندگی به یاد دو حاجتی که خدا به او وعده داده بود، می افتد. وقت
آن است که حاجت اول را از خدا طلب کند

گفت یارب بر دلم بخشوده ای
وین دو حاجت را توأم فرموده ای
یارب آن زن را که می دانی همی
!این زمان خرسیش گردانی همی

پیر بعد از طلب کردن حاجت اول از خداوند، برای تدارکِ نان اطفال و با اوقاتی تلخ تر
از زهر، روانه شهر می شود
شاه ستمگر هم وقتی از شکار فارغ می شود به خادم مخصوص دستور می دهد که
:صندوق را بیاورد

شاه چون در شهر آمد از شکار
گفت آن صندوق ای خادم بیار

چون در صندوق بگشادند باز

روی خرسی دید شاه سرفراز

شاه وحشت زده و از بیم اینکه زن، پری یا جن باشد دستور به برگرداندن «خرس» به
جای اولش می‌دهد.

از آن طرف هم مرد خارکن، بعد از فروش پشته‌های خار، برای اطفال خود نان می‌خرد
:و به کلبهٔ خویش بازمی‌گردد

دید خرسی را میان کودکان

!در گریز از بیم او آن طفلکان

خارکش چون خرس را آنجا بدید

گفتی یک تشنه صد دریا بدید

:و در اینجا خارکش، حاجت دوم را هم از خدا طلب می‌کند

گفت یارب حاجتی ماندست و بس

همچنان‌ش کن که بود او آن نَفَس

خرس شد حالی چنان کز پیش بود

در نکویی گویا زان بیش بود

چون شد آن اطفال را مادر پدید

!!هر یکی را دل ز شادی برپرید

قصه و بدنهٔ دراماتیک آن در اینجا به پایان می‌رسد. اوضاع همچنان می‌شود که از این

پیش هم بود! اما پیر خارکش به ناسپاسی خود آگاه شده و با بیدار دلی تمام پی به
:کیمیای قناعت می برد

مرد را چون آن دو حاجت شد روا
آمد آن فرتوت غافل در دعا
ناسپاسی ترک گفت آن ناسپاس
کرد حق را شکرهای بی قیاس
گفت یارب تا نکو می داری ام
قانعم گر همچنین بگذاری ام
پیش از این از ناسپاسی می گداخت
!قدر آن کز پیش بود اکنون شناخت^{۱۸}

بواسطه ناسپاسی آبادانی خرابه شد!

قرآن حکیم در آیات 112 و 113 سوره نحل می فرماید: "وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ
ءَامِنَةً مَّتَمِّنَةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ
وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ * وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَ هُمْ
ظَالِمُونَ / خداوند - برای آنان که کفران نعمت می کنند - مثلی زده است: منطقه آبادی
که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزی اش از هر جا می رسید اما به نعمتهای خدا
ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می دادند، لباس گرسنگی و ترس را
بر اندامشان پوشانید. پیامبری از خودشان به سراغ آنها آمد، او را تکذیب کردند؛ از
این رو عذاب الهی آنها را فراگرفت در حالی که ظالم بودند

اهمیت شکر

پیامبر خدا فرمود: ایمان دو نیمه دارد یک نیمه ان شکر خدا کردن و یک نیمه دیگر صبر کردن است.^{۱۹}

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم:

عَلَامَةُ الشَّاكِرِ أَرْبَعَةٌ: الشُّكْرُ فِي النَّعْمَاءِ وَالصَّبْرُ فِي الْبَلَاءِ وَالْقَنُوعُ بِقِسْمِ اللَّهِ وَ لَا يَحْمَدُ وَ لَا يُعْظَمُ إِلَّا اللَّهُ.

آدم شکر گزار چهار علامت دارد: در وقت نعمت شاکر، هنگام بلا صابر، به قسمت خدا قانع و تنها خدا را ستایش و بزرگداشت می دارد.^{۲۰}

- امام صادق (ع) : هر گاه فردی از شما به یاد نعمت خدای عزوجل افتاد برای سپاسگزاری از خدا گونه اش را بر خاک گذارد اگر سواره بود پیاده شود و گونه اش را بر خاک نهد و اگر به خاطر ترس از بدنامی نتوانست پیاده شود صورتش را بر کوهه زین بگذارد و اگر باز هم نتوانست این کار را بکند ، گونه اش را بر کف دست خود بگذارد و آن گاه خدا را برای نعمتی که به او داده است حمد گوید.

- هشام بن احمر : با ابوالحسن امام کاظم (ع) در یکی از نواحی مدینه می رفتم که ناگاه از مرکب خود فرود آمد و به سجده افتاد و آن را بسیار طول داد سپس سر از سجده برداشت و سوار مرکبش شد عرض کردم : فدایت شوم سجده ای طولانی کردی ؟

¹⁹ نهج الفصاحه / 1070

²⁰ تحف العقول، ص ۲۱

فرمود: به یاد نعمتی افتادم که خداوند به من عطا کرده است و خواستم از پروردگارم سپاسگزاری کنم.

ایام الله را به مردم متذکر شو

روزی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به اصحاب فرمودند چون خداوند سبحان در آیه شریفه:

وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ^{۲۱}

یعنی ایام الله را به مردم متذکر شو که در این ایام، نشانه هایی برای افراد بسیار صبور و شکور است.

دستور داده تا نعمتهایش را بیاد مردم بیاورم پس شما بگوئید که اولین نعمتی که خداوند سبحان امر به تذکر به آن داده چیست؟

یکی گفت زن و بچه! دیگری گفت سلامتی! سومی گفت مال و منال!

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به علی (ع) فرمود: ابوالحسن تو بگو. علی (ع) فرمود: من چگونه در حضور شما مطلبی بگویم در حالی که خداوند سبحان ما را بوسیله شما هدایت کرد و جمیع علوم و کمالات را بوسیله شما برایمان فرستاد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود باید بگوئی اولین نعمت کدام است؟ علی (ع) گفت: اولین نعمت، نعمت وجود است که من هیچ نبودم ولی خداوند سبحان مرا از عدم بوجود آورد. پیامبر اعظم فرمود راست گفتی. دومی کدام است؟ فرمود: به من حیات و زندگانی بخشید و مرا مانند جمادات و نباتات نگردانید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود راست گفتی. سومی کدام است؟ گفت: مرا به بهترین صورتهای که صورت انسان

است خلق کرد و بصورت حیوان نیافرید . پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود راست گفتی . چهارمی کدام است؟ گفت: آنکه برایم حواس ظاهری و باطنی قرار داد . پیامبر اعظم فرمود راست گفتی . پنجمی کدام است؟ گفت آنکه قدرت عقل و مشاعر روحانی بمن داده و مرا بر حیوانات برتری بخشید . پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود راست گفتی . ششمی کدام است؟ گفت اینکه مرا به دین حق هدایت کرد و از گمراهان نگردانید .

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ^{۲۲}

همه ستایش ها ویژه خداست که ما را به این [نعمت ها] هدایت کرد، و اگر خدا ما را هدایت نمی کرد هدایت نمی یافتیم.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود راست گفتی . هفتمی کدام است؟ گفت آنکه در آخرت «بهشت» زندگی خوبی را برایم قرار داد . پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود راست گفتی . هشتمی کدام است؟ گفت مرا آزاد آفرید و غلام کسی قرار نداد . پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود راست گفتی .

نهمی کدام است؟ گفت آسمان و زمین و آنچه از مخلوقات در آنهاست را در تسخیر من قرار داد ...^{۲۳}

بیانات آیه الله العظمی خامنه ای درباره اهمیت شکر

عزیزان من! من و شما بیش از مردم عادی به این مسائل احتیاج داریم. در بین این وظایف معنوی ای که ما به عهده داریم، من فکر کردم و دیدم امروز وظیفه‌ی «شکر»، یکی از بزرگترین وظایف ماست. گفتم چند جمله‌ای راجع به شکر صحبت کنم. آیه‌ای

^{۲۲} اعراف 43

^{۲۳} امالی طوسی 491

که تلاوت کردم، از سوره‌ی ابراهیم - «و اذ تَأَذَّنْ رَبِّكُمْ لَأَن شُكِرْتُمْ لَازِيْدَنَّكُمْ» (۱) - خیلی آیه‌ی مهمی است؛ هم تشویق است، هم تهدید است. اگر شکر کردید، ازدیاد نعمت دنبالش هست و برکات الهی پی‌درپی خواهد رسید؛ اگر کفران کردید، عذاب خدا دنبالش است؛ بروبرگرد ندارد؛ هیچ نقطه‌ی استثنایی هم در تاریخ ندارد. اگر یک موردی را شما تصور کنید که پس چطور در فلان‌جا خدا عذاب شدید خودش را نشان نداد، این کوتاهی تحلیل است و اگر پای تحلیل به میان بیاید، معلوم خواهد شد که هیچ استثناء ندارد. «شکر» چیست؟ شکر، چند پایه‌ی اصلی دارد: اول، شناختن نعمت و توجه پیدا کردن به آن است. آفتِ اول ما این است که به نعمت توجه نمی‌کنیم؛ نعمت سلامت را جز بعد از مریض شدن و ناقص‌العضو شدن نمی‌فهمیم؛ نعمت جوانی را جز بعد از پیر شدن، درست تشخیص نمی‌دهیم؛ اشکال کار این است. نعمت امنیت را جز بعد از دچار شدن به ناامنی نمی‌فهمیم. مردم کوفه، وقتی نعمت امیرالمؤمنین را فهمیدند، که حجاج بالای سرشان آمد؛ مردم مدینه نعمت وجود امیرالمؤمنین و امام حسن را آن روز فهمیدند، که مسلم‌بن‌عقبة بالای سرشان آمد، قتل‌عامشان کرد، زنهایشان را بی‌ناموس کرد، بعد هم گفت همه‌تان باید اقرار کنید که برده‌ی یزید هستید. مردم یکی یکی آمدند و جلوی اقرار کردند و هر کس اقرار نکرد، گردنش را زد. آن مردم، آن وقت فهمیدند که حکومت امیرالمؤمنین و حکومت امن و امان و حکومت احترام و تکریم به مردم در دوران قبل، چقدر ارزش داشته است. دوم، نعمت را از او دانستن. سوم، از خدا سپاسگزار بودن. نه اینکه بگوییم نعمت را خدا داده و وظیفه‌اش بوده که بدهد؛ نه، بلکه بدهکار بودن در مقابل خدای متعال. و چهارم، این نعمت را به کار گرفتن؛ مثل یک پلکان. وقتی نعمتی را به شما می‌دهند، این پله‌ای از یک نردبان است که پایتان را روی آن گذاشته‌اید، تا بالا بروید؛ حالا نوبت پله‌ی بعدی است. اگر دسترسی به پله‌ی بعدی پیدا کرده‌اید، پس این هم یک نعمت است؛ از آن استفاده کنید و پایتان را روی آن بگذارید و بروید بالا. آن کسی که دسترسی به پلکانِ نردبان پیدا می‌کند، اما پایش را روی آن نمی‌گذارد، شکر نکرده است. شما ببینید خود این شکر با این ارکان، چه نعمت بزرگ خدایی است. امام حسین (علیه‌السلام) در دعای عرفه عرض می‌کند که من اگر

هر کدام از نعمتهای تو را شکر کنم، خود آن شکر، یک نعمت است؛ پس من اگر تا آخر دهر زنده بمانم، با همه‌ی وجودم گواهی می‌دهم که شکر یک نعمت تو را نمی‌توانم به‌جا بیاورم؛ چون همین که آن نعمت را شکر کنم، خود اینکه توفیق شکر پیدا کرده‌ام، یک نعمت دیگر است و باید آن را شکر کنم و همین‌طور تسلسل پیدا می‌کند تا ابد.

خودِ شکر، یک نعمت است. اولاً، وقتی شکر کردید، این شکر موجب ذکر می‌شود؛ متوجه خدا می‌شوید؛ خود شکر انسان را ذاکر می‌کند. ثانیاً، شکر به ما صبر می‌دهد. شکر نعمت یکی از خواصش، دادن صبر و پایداری است. در دعا می‌خوانیم: «اللهم انی اسئلك صبر الشاکرین لک» (۲). وقتی شما شکر می‌کنید، نعمت را می‌شناسید و موقعیت را درک می‌کنید؛ امکانی را که خدا در اختیار شما گذاشته است، به یاد می‌آورید و امیدوار می‌شوید. این امید، پایداری شما را زیاد می‌کند. لذا لازمه‌ی شکر، صبر است. یکی از دستاوردهای شکر، قدرت پایداری و ایستادگی در میدانهای دشوار است. یکی از خواص شکر، مغرور نشدن است. بعد هم خدای متعال وعده کرده است افزایش نعمت را؛ «لازیدنکم». وعده‌ی الهی صدق است و ساز و کار روشنی هم دارد. همین که عرض کردیم، نشان‌دهنده‌ی این است که خودِ شکر، نعمت را زیاد می‌کند. شکر پله‌ی اول، انسان را به پشت‌بام می‌رساند. شکر، وظیفه‌ی ماست.

در مقابل شکر چیست؟ کفران نعمت. کفران نعمت، نقطه‌ی مقابل این چیزهاست. به نعمت توجه نکردن و غفلت کردن از اصل نعمت، چیزی است که خیلی از ماها دچارش هستیم؛ یا نعمت را انکار کردن؛ یا آن را از خدا ندانستن؛ یا به نعمت خداداده مغرور شدن، که غرور ملازم با سقوط است و وقتی انسان غرور پیدا کرد، ساقط می‌شود؛ اینها کفران نعمت است. «و ضرب الله مثلاً قریةً کانت امنةً مطمئنةً یأتیها رزقها رغداً من کل مکان فکفرت بأنعم الله فذاقها الله لباس الجوع و الخوف» (۳)؛ جامعه‌ای راحت و برخوردار از نعم معنوی و مادی الهی کفران نعمت می‌کند و خدا ناامنی و تنگدستی را بر او تحمیل می‌کند. نتیجه‌ی کفران نعمت، این است.

ما در درجه‌ی اول، از چه شکر کنیم؟ نمی‌شود شمرد؛ «و ان تعدّوا نعمت الله

لاتحصوها» (۴). بنده وقتی دستم فلج شد، متوجه خصوصياتی شدم؛ دیدم این انگشت من که براحتی حرکت می‌کند و مثلاً یک زنجیر را دور خودش تکان می‌دهد و این، خیلی کار ساده‌ای به نظر می‌آید، از حرفهای دکترها فهمیدم که خود این حرکت، معلول چندین تحرک و توانایی مهم در وجود انسان است؛ اما ما غافل بودیم. به هر حال، وقتی نعمت از انسان گرفته می‌شود، انسان متوجه می‌شود که همین کار آسان و کوچک، ثمره‌ی چندین نعمت بزرگ بوده که ما این‌طور راحت از آن عبور کرده‌ایم. این، غفلت ماست. این که شما می‌توانید راحت به عنوان یک مسئول کشوری - در هر رده‌ای که هستید - بر اساس فکر دینی و ایمان اسلامی خودتان تصمیم بگیرید؛ این که سیاستهای خارجی بر شما مسلط نیست؛ این که مردم شما را از خود می‌دانند؛ این که شما اصلاً فرصت پیدا کرده‌اید در جایگاهی قرار بگیرید که می‌تواند منشأ اثر باشد؛ این که از دست یازدیدن به اموال عمومی پرهیز می‌کنید؛ این که گناه برای شما روان و آسان نیست، اگر بخواهیم از این‌طور نعمتها بشماریم، جزو هزارها نعمتی است که خدای متعال در اختیار ما قرار داده است؛ ولی ما نعمتها را نمی‌شناسیم. به نظر من اولین نعمتی که باید امروز ما خدا را به خاطر آن شکر کنیم، عزت و استقلال ملی است. ۱۳۸۵/۰۳/۲۹.

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی

چند تا از شکرهای ساده که می‌توانیم بگوییم:

خدایا شکرت که جسم سالمی دارم.
خدایا شکرت که فکر و روان آسوده ای دارم.
خدایا شکرت که خانواده ی خوبی دارم.
خدایا شکرت که سقفی بالای سرم هست.
خدایا شکرت که رزق هر روزم رو می‌رسونی.

خدایا شکر ت به خاطر انسان بودنم.
خدایا شکر ت به خاطر نعمت هدایت.
خدایا شکر ت به خاطر نعمت ولایت و امام های معصوم (ع).
خدایا شکر ت به خاطر خدایی خودت.
خدایا شکر ت به خاطر تموم مهربونیات.

خدایا شکر ت که من و خانوادم و همسرم سالمیم
خدایا شکر ت که هر لحظه معجزات زیادی برام میفرستی
خدایا شکر ت برای عشق پاکی که تو زندگیم به جریان انداختی
خدایا شکر ت که بهم یاد دادی به خاطر داشته هام تورو شکر کنم
خدایا شکر ت برای بارون رحمت (آخه امروز اینجا بارون اومد)
خدایا شکر ت برای حافظه فوق العادم
خدایا شکر ت که همیشه آدمهای درستی رو سر راهم قرار میدی
خدایا شکر ت برای آرامشی که تو رابطم هست
خدایا شکر ت برای هدایتهات
خدایا شکر ت برای همه نعماتی که بهم دادی و گاهی فراموش میکنم که به خاطر اونها
شکر ت رو بگم

هشت سپاس از خداوند در دعای ابوحمزه

ابوحمزه ثمالی دعایی را از امام سجاد علیه السلام نقل کرده که امام زین العابدین علیه السلام هر شب ماه رمضان آن را تلاوت می فرموده اند:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَدْعُوْهُ فِیْجِیْبُنِیْ وَ اِنْ کُنْتُ بَطِیْئًا حِیْنَ یَدْعُوْنِیْ؛ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَسْئَلُهُ
فِیْعَطِیْنِیْ وَ اِنْ کُنْتُ بَخِیْلًا حِیْنَ یَسْتَقْرِضُنِیْ؛

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي وَأَخْلُوْهُ بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّيْ بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُوْهُ غَيْرَهُ؛ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُوْهُ غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيَهِينُونِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي فَ رَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي

((سپاس خدایی را سزااست که تا صدایش می کنم پاسخم میگوید اگرچه وقتی او مرا صدا می کند، من کاهلی می کنم

سپاس خدایی را سزااست که هرچه از او می طلبم عطا می کند اگرچه وقتی او درخواستی می کند من بخل می ورزم

سپاس خدایی را سزااست که هر وقت بخواهم می توانم صدایش کنم و هرگاه در پی خلوتی با او باشم بی هیچ واسطه ای می توانم داشته باشم و او همیشه برآورنده خواسته های من است

سپاس خدایی را سزااست که غیر از او را نمی خوانم و اگر بخوانم هم پاسخی نمی شنوم
سپاس خدایی را سزااست که به غیر از او دل نمی بندم و اگر ببندم هم دلم را می شکند و پشتم را خالی می کند

سپاس خدایی را سزااست که به او تکیه می کنم و او گرامی ام می دارد و دست نوازش بر سرم می کشد و به مردم تکیه نمی کنم که اگر کنم خوارم می کنند و تنهایم می گذارند

سپاس خدایی را سزااست که از من بی نیاز است اما با من دوستی می کند و به من محبت می ورزد

سپاس خدایی را سزااست که با من بردباری میکند انگار که من هیچ گناهی نکرده ام))
«امام جعفر صادق (علیه السلام):»

ما أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ صَغُرَتْ أَوْ كَبُرَتْ فَقَالَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» إِلَّا أَدَّى شُكْرَهَا.
هرگاه خدا نعمتی به بنده اش عطا کند، خُرد باشد یا کلان، و به پاس آن بگوید
«الْحَمْدُ لِلَّهِ» شکر آن نعمت را به جا آورده است.^{۲۴}

«بهترین نوع تشکر

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» بهترین نوع تشکر از خداوند است. هر کس در هر جا، با هر زبانی، هر گونه ستایشی از هر کمال و زیبایی دارد، در حقیقت سرچشمه‌ی آن را ستایش می کند
امام صادق (ع) فرمود: اگر کسی اول صبح چهاربار گفت الحمد لله رب العالمین، شکر اون روز رو انجام داده. همچنین اول شب اگر چهاربار گفت الحمد لله رب العالمین شکر آن شب را انجام داده است.^{۲۵}

امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) را شیوه بوده که هر روز ۳۶۰ بار خدا را حمد می کرد، به شماره رگهای تن انسان، و می فرمود: (الحمد لله رب العالمین کثیرا علی کل حال) سپاس از آن پروردگار جهانیان است بسیار است در هر حال.

امام رضا علیه السلام بعد از نماز ظهر سجده می رفت و صدبار می فرمود حمداً لله

و بعد از نماز عصر سجده می رفت و صدبار می فرمود شکراً لله

^{۲۴} بحار، ج ۷۱، ص ۳۲
^{۲۵} مکارم الاخلاق، ص ۲۰۸

دعایی دیگر از امام سجاد علیه السلام در حمد سپاس الهی

سپاس خدایی را که اول است بدون آنکه پیش از او اولی باشد، و آخر است بدون آنکه پس از او آخری باشد. خدایی که دیده‌های بینندگان از دیدنش فرومانده، و اندیشه‌های توصیف کنندگان از وصفش عاجز شده‌اند. آفریدگان را به قدرت خود پدید آورده و ایشان را بر وفق خواست خود اختراع فرموده است. سپس در طریق اراده خود روان ساخته و در پی محبت خود برانگیخته است. در حالی که از حدی که برایشان تعیین نموده قدمی پیش و پس نتوانند نهاد. سپاس خدای را بر آنچه از خدائی خود به ما شناسانده و بر آنچه از شکر خود به ما الهام کرده و بر آن درها که از علم به ربوبیتش بر ما گشوده و بر اخلاص در توحیدش که ما را به آن راهبری کرده و ما را از کجروی و شک در کار خود دور ساخته است. سپاس خدایی را که زیباییهای آفرینش را برای ما برگزید و روزیهای پاکیزه را بر ما روان ساخت و ما را به تسلط همه آفریدگان برتری داد و از این جهت همه مخلوقاتش ما را به قدرت او فرمانبردار و به نیرویش از اطاعت ما ناچارند. سپاس خدایی را که برای قبض و بسط اعضاء، آلات و عضلاتی در بدن ما ترکیب کرد و ما را از آسایشهای زندگی بهره‌مند گردانید و اعضایی برای کار در (پیکر) ما برقرار کرد و ما را از روزیهای پاکیزه اطعام فرمود، و به فضل خود توانگر ساخت و به نعمت خود سرمایه بخشید. سپس ما را به پیروی اوامر خود، فرمان داد تا طاعتمان را بسنجد و از ارتکاب نواهی خود نهی فرمود تا شکرمان را بیازماید. پس از راه امرش منحرف گشتیم و بر مرکب نهیش سوار شدیم. با این حال به عقوبت ما شتاب نکرد و در انتقام ما تعجیل نفرمود؛ بلکه به رحمت خود از روی کرم با ما مدارا کرد، و به مهربانی خویش از روی حلم بازگشتن ما را انتظار کشید. آنچه را که تاب تحمل آن را نداشتیم از (ذمه) ما برداشته و بیرون از حد طاقتمان تکلیف نفرموده و جز به کار آسانمان و انداشته، و برای هیچ یک از ما حجتی و عذری باقی نگذاشته است. سپاسی که پایان نپذیرد و شماره‌اش به احصاء در نیاید و نهانیش دسترس و برای

مدتش انقطاعی نباشد. سیاسی که موجب رسیدن به طاعت و عفو او و سبب خوشنودی و وسیله آمرزش و راه به سوی بهشت و پناه از انتقام و ایمنی از خشم و پشتیبانی طاعت، و مددکار بر ادای حق و وظایف او باشد. ^{۲۶}

فرازهایی زیبا درباره حمد الهی در دعای عشرات

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَمْنَعُ أَوَّلَهُ وَ لَا يَنْفَدُ آخِرُهُ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَاءُ كَتِفَيْهَا [كَتِفَيْهَا] وَ تُسَبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَيْهَا، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا سَرْمَدًا أَبَدًا لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَ لَا نَفَادَ وَ لَكَ يَنْبَغِي وَ إِلَيْكَ يَنْتَهِي، فِيَّ وَ عَلَى وَ لَدَى وَ مَعِيَ وَ قَبْلِي وَ بَعْدِي وَ أَمَامِي وَ فَوْقِي وَ تَحْتِي، وَ إِذَا مِتُّ وَ بَقِيتُ فَرْدًا وَ حِيدًا ثُمَّ قَبِيتُ، وَ لَكَ الْحَمْدُ إِذَا نُشِرْتُ وَ بُعِثْتُ يَا مَوْلَايَ، اللَّهُمَّ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَاتِكَ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَ تَرْضَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ أَكْلَةٍ وَ شَرْبَةٍ وَ بَطْشَةٍ وَ قَبْضَةٍ وَ بَسْطَةٍ، وَ فِي كُلِّ مَوْضِعٍ شَعْرَةٍ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ عِلْمِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَجْرَ لِقَائِهِ إِلَّا رِضَاكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى جِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى غُفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ وَارِثَ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِيَّ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ قَدِيمَ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ، وَ فِي الْعَهْدِ، غَزِيرَ الْجُنْدِ، قَائِمَ الْمَجْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ، مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، مُنْزِلَ [مُنْزَلٍ] الْآيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ عَظِيمِ الْبَرَكَاتِ، مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ، وَ مُخْرِجَ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، وَ جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ، وَ قَابِلَ التَّوْبِ، شَدِيدَ الْعِقَابِ ذَا الطَّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ الْمَصِيرُ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ وَ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الثَّرَى وَ الْخَصْيِ وَ النَّوَى، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي جَوْ السَّمَاءِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزَانِ مِيَاهِ الْبَحَارِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزَانِ الْأَشْجَارِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَخْصَى كِتَابُكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَخَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ الْهَوَامِّ وَ الطَّيْرِ وَ الْبَهَائِمِ وَ السَّبَاعِ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، كَمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَ تَرْضَى، وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَ عِزِّ جَلَالِكَ...

خدایا! تو را سپاس، سپاسی که آغازش بالا رود و انجامش پایان نگیرد، خدایا! تو را سپاس، سپاسی که آسمان برای تو بر دوش کشد و زمین و هر که بر آن است تو را آنچنان تسبیح کند، خدایا! تو را سپاس، سپاسی همواره و همیشگی که گسست و پایانی برایش نباشد و تنها سزاوار تو باشد و به تو بیانجامد، سپاسی که نمایان شود در دلم و بر تنم و نزد من و با من و پیش از من و پس از من و پیش رویم و بالای سرم و زیر پایم و آنگاه که مرگم فرا رسد و یگانه و تنها مانم سپس فانی شوم، و تو را سپاس گاهی که زنده و برانگیخته شوم، ای سرور من، خدایا! و تو را ستایش و سپاس برای همه صفات پسندیده ات، و بر همه نعمت هایت، سپاسی بلند و بی پایان، که آن را ای پروردگار ما پسندیده داری و از آن خشنود شوی، خدایا! تو را سپاس بر هر خوردن و نوشیدن و هر دست یافتن و هر بست و گشودن، و در برابر هر تار مو که به ما دادی، خدایا! تو را سپاس سپاسی پاینده به پایدگی ات، و تو را سپاس سپاسی که نهایت آن را جز دانشت نداند، و تو را سپاس سپاسی که پایان آن را جز مشیت نخواهد، و تو را سپاس سپاسی که جز خشنودی تو مزدی برای گوینده اش نیست، و تو را سپاس بر بردباری ات پس از آن که دانستی، تو را سپاس بر گذشتت پس از آنکه بر عذاب توانا بودی، و تو را سپاس ای سرچشمه سپاس، و تو را سپاس ای به ارث برنده سپاس، و تو را سپاس ای آفریننده سپاس، و تو را سپاس ای نهایت سپاس، و تو را سپاس ای پدیدآورنده سپاس، و تو را سپاس ای خریدار سپاس، و تو را سپاس ای صاحب سپاس، و تو را سپاس ای دیرینه سپاس، و تو را سپاس ای راست وعده، ای وفادار به عهد، ای سپاه توانا، ای مجد و عظمت پایدار، و تو را سپاس ای بلند پایه، ای پاسخگوی خواسته ها، ای فرود آورنده آیات از بالای هفت آسمان، ای دارای برکات بزرگ، ای درآورنده نور از دل تاریکی ها، و ای بیرون آورنده آنان که در تاریکی هایشان به سوی نور، ای دگرگون کننده گناهان به نیکی ها، و بالا برنده حسنات در مراتب بهشت، خدایا! تو را سپاس ای آمرزنده گناه، و ای پذیرای توبه، و ای عذابت سخت، و ای صاحب عطای بی حد، معبودی جز تو

نیست، بازگشت همه به سوی تو است، خدیا! تو را سپاس در شب گاهی که روز را می پوشاند، و تو را سپاس در روز آنگاه که آشکار می گردد، و تو را سپاس در آخرت و دنیا، و تو را سپاس به تعداد همه ستاره ها و همه فرشتگان آسمانی، و تو را سپاس به شماره ذرات خاک و ریگ و دانه ها، و تو را سپاس به عدد آنچه در میان آسمان است، و تو را سپاس به عدد آنچه در درون زمین است، و تو را سپاس به میزان وزن آب های دریا، و تو را سپاس به شماره برگ درختان، و تو را سپاس به عدد آنچه روی زمین است، و تو را سپاس به تعداد آنچه کتابت برشمرده، و تو را سپاس به عدد آنچه دانشت آن را فراگرفته، و تو را سپاس به شماره آدمیان و پریان و حشرات و پرندگان و چهارپایان و درندگان، سپاسی فراوان و سپاسی پاک که در آن برکت باشد آنچنان که پذیری ای پروردگار ما و خشنود گردی، و آنچنان که سزاوار بزرگواری ذات و بزرگی جلال تو است.))

تحفه ای از جانب خدا

در «کافی» روایت شده است که روزی رسول اکرم (ع) مسرور و شادمان از خانه بیرون رفت. پس سبب آن را جویا شدند .

حضرت فرمود: «هیچ روز و شبی نیست مگر اینکه تحفه ای از جانب خدا برای من می رسد. آگاه باشید که خداوند امروز به من تحفه ای داده که هرگز به گذشتگان نداده است .

جبرئیل نزد من آمد و طرف پروردگارم سلام رساند و گفت: ای محمد! حضرت قائم از شماست و هر گاه خدای او را آشکار کند، حضرت عیسی پشت سر او نماز می خواند.

امام زین العابدین (علیه السلام):

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ.

خداوند بندگان شکور و سپاسگزار خود را دوست می‌دارد.^{۲۷}

«امام جعفر صادق (علیه السلام):»

فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ لَكَ بَلْ أَلْفٌ أَوْ أَكْثَرُ.

برای هر یک از نفَس‌های تو یک شکرانه بلکه هزار و بیش از هزار شکرانه بر تو لازم است.^{۲۸}

مناجات ششم از مناجات‌های خَمسه عشر امام سجاد علیه السلام: رازونیا ز شاکران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است

إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابَعُ طَوْلِكَ وَأَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ وَ
شَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ وَأُعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ وَ
هَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ
وَأَنْتَ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ قَاصِدِيهِ وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ آمِلِيهِ
بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ الرَّاجِينَ وَبِعَرْصَتِكَ تَقِفُ آمَالُ الْمُسْتَرْفِدِينَ فَلَا تُقَابِلْ آمَانَا
بِالتَّخْيِيبِ وَالْإِيَّاسِ وَلَا تُلْبِسْنَا سِرْبَالَ الْقُنُوطِ وَالْإِبْلَاسِ

خدایا، پیاپی آمدن کرم، بر پا داشتن سپاست را از یاد من برد، و فراوانی بخششت
مرا از شمارش ستایشت درمانده ساخت، و در پی هم آمدن احسانت مرا از یاد اوصاف
نیکت بازداشت، و پشت هم رسیدن نعمتهایت مرا از گسترش خوبیهایت درمانده نمود،
این است جایگاه آن‌که به برازندگی نعمتهای تو و در برابر آن به کوتاهی خود اعتراف
دارد و به زیان خود به سستی در بندگی و هدر دادن نعمتها گواهی می‌دهند و تویی
دلجو، مهربان، نیکوکار کریم، که خواهنده‌اش را محروم نمی‌کند، و آرزومندش را از
درگاهش نمی‌راند، به آستانت فرود می‌آید بار امیدواران، و در درگاه رحمت تو

²⁷ وسائل، ج ۱۱، ص ۵۳۹

²⁸ جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۳۶

می‌ایستد آرزوهای عطاخواهان، پس آرزوهایمان را با محرومیت و ناامیدی روبرو مساز،
و جامه ناامیدی و دوری از رحمت را بر ما بپوشان

إِلَهِی تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظُمِ آلَائِكَ شُكْرِي وَ تَضَاعَلَ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَّایَ ثَنَائِي وَ نَشْرِي
جَلَّلْتَنِي نِعْمَكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلًّا وَ ضَرَبْتَ عَلَيَّ لَطَائِفَ بَرِّكَ مِنَ الْعِزِّ كِلَا وَ قَلَّدْتَنِي
مِنْكَ قَلَائِدَ لَا تُحَلُّ وَ طَوَّقْتَنِي أَطْوَاقًا لَا تُفَلُّ فَالَاؤُكَ جَمَّةٌ ضَعُفَ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا وَ
نَعْمَاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصُرَ فَهْمِي عَنْ إِدْرَاكِهَا،

خدایا در برابر بزرگی نعمتهایت سپاسم کوچک می‌نماید، و در کنار اکرامت بر من
ستایش و گزارشم از آن خود را پست و ناچیز نشان می‌دهد، نعمتهایت از انوار ایمان
زینتهایی به من پوشاند، و لطایف نیکی‌ات خیمه‌هایی از عزت بالای سرم افراشت، و
عطاهایت گردن‌بندهای زیبنده‌ای به گردنم افکند که هرگز باز نشود، و طوقهایی بر من
آویخت که به هیچ روی گسسته نگردد، عطاهای انبوهت زبانم را از شمردنش ناتوان
ساخته، و نعمتهای فراوانت فهمم را از دریافتشان کوتاه نموده

فَضْلًا عَنْ اسْتِغْصَائِهَا فَكَيْفَ لِي بِتَخْصِيلِ الشُّكْرِ وَ شُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرِ فَكَلَّمَا قُلْتُ
لَكَ الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ إِلَهِی فَكَمَا غَذَّيْتَنَا بِلُطْفِكَ وَ رَبَّيْتَنَا
بِصُنْعِكَ فَتَمَّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعَمِ وَ اذْفَعْ عَنَّا مَكَارِهِ النِّقَمِ وَ آتِنَا مِنْ حُطُوطِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا
وَ أَجَلِّهَا عَاجِلًا وَ آجِلًا وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ وَ سُبُوغِ نِعْمَائِكَ حَمْدًا يُوَافِقُ رِضَاكَ
وَ يَمْتَرِي الْعَظِيمَ مِنْ بَرِّكَ وَ نَدَاكَ يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

تا چه رسد به بررسی کامل آنها، سپاسگزاری‌ات چگونه برای من امکان‌پذیر است در
حالی که سپاسم نسبت به تو خود نیازمند سپاسی دیگر است، پس هر نوبت که گفتم تو
را سپاس، بر من واجب شد که به خاطر آن باز بگویم تو را سپاس، خدیا همانگونه که ما
را به لطف طعام دادی و با احسانت پروریدی پس نعمتهای سرشارت را بر ما به انجام
رسان، و ناگواریهای ناخوشایند را از ما دور کن، و از بهره‌های هر دو جهان بالاتر و
برترش را چه اینک و چه در آینده به ما عنایت کن، تو را سپاس بر خوبی آزمونت و بر

نعمتهای سرشارت، سپاسی که درخور خشنودی‌ات باشد، و خیر وجودت را به جانب ما جلب کند، ای بزرگ، ای کریم، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان

ادامه بحث شکر:

اما خداوند دوست دارد که بندگانش هم از هم تشکر کنند

- امام سجاده (ع) : خدای تبارک و تعالی در روز قیامت به یکی از بندگان خود می‌فرماید : آیا از فلانی سپاسگزاری کردی ؟

عرض می‌کند : (نه) بلکه از تو سپاسگزاری کردم ای پروردگار خداوند می‌فرماید : چون از او تشکر نکرده ای از من نیز تشکر نکرده ای!^{۲۹}

از سخنان پیامبر اکرم (ص): شکر خدا را بجانیاورده است آنکه از مردم (درقبال انعامشان) تشکر نکند.^{۳۰}

«پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم»:

مَنْ آتَى إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَكَافَتْهُوَ وَ إِنْ لَمْ تَجِدُوا فَأَثْنُوا فَإِنَّ الشَّانَ جَزَاءٌ.

اگر کسی به شما محبتی کرد شما هم محبت او را جبران کنید و اگر نتوانستید (لااقل) از او تشکر نمایید، این تشکر شما پاداش او خواهد بود.^{۳۱}

«پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم»:

أَلْتَحَدَّثُ بِالنِّعَمِ شُكْرًا.

نعمت‌های خدا را بازگو کردن، خود شکر و سپاسگزاری است.^{۳۲}

مام جعفر صادق (علیه السلام):

²⁹ الکافی : ۲/۹۹/۳۰.

³⁰ - الوسائل ج 11/ص 542

³¹ تحف العقول، ص ۴۹

³² مواظظ عددیه، ص ۳

المُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الْمُبْتَلَى الصَّابِرِ.

آدم سالم شکر گزار، ثواب آدم بلانشین صبور و شکیا را دارد.^{۳۳}

در روایت از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل شده است: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ؛ کسی که بندگان بخشنده نعمت را از شکر گزاری نکند، شکر خداوند متعال را بجا نیاورده است.»^{۳۴}

- امام علی (ع) : کسی که مورد نیکی قرار گرفته ، وظیفه دارد نیکی کننده را بخوبی پاداش دهد اگر توان این کار را نداشت ، باید به خوبی تشکر کند و اگر زبانش از این کار هم قاصر بود ، وظیفه دارد که ارزش آن نیکی را بشناسد و خوبی کننده را دوست داشته باشد و چنانچه از این کار هم کوتاهی کرد ، لایق نیکی نیست

در روایات، تشکر از مردم در برابر خدمات و نیکی هایشان، بسیار مهم است و در برخی از احادیث تشکر از مردم به عنوان تشکر از خدا به شمار آمده است، به چند نمونه از روایات در این باره اشاره می شود:

۱. امام صادق (علیه السلام) نیز فرمودند: « أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيَّكَ؛ از آن کسی که به تو نعمت رسانده، تشکر کن»^{۳۵}

۲. امام سجاد (علیه السلام) فرمود: أَشْكُرُكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرُكُمْ لِلنَّاسِ. شاکر ترین شما از خدا، قدردان ترین شما از مردم است^{۳۶}.

۳. از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده: «بنده ای را در قیامت به پیشگاه الهی می آورند و خداوند درباره او فرمان عذاب می دهد. عرض می کند: بار الها، درباره من امر به دوزخ فرمودی با آنکه من در دنیا مسلمان و قاری قرآن بودم. خداوند می

^{۳۳} تحف العقول، ص ۲۸۲

^{۳۴} عیون اخبار الرضا، صدوق، ج ۲، ص ۲۴.

^{۳۵} تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۴۱۶

^{۳۶} اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۱۵۶

فرماید: بنده من، نعمت هایی را به تو دادم و شکر آن ها را به جا نیاوردی. عرض می کند: بار الها، فلان نعمت را دادی تو را شکر کردم، فلان نعمت را دادی تو را شکر نمودم، یک به یک نعمت ها را می شمرد و از شکرها نام می برد. خداوند می فرماید: بنده من، راست می گویی، جز آنکه کسی را که من به دست او نعمت خود را به تو رساندم شکر نکردی، و من با خود عهد نموده ام شکر نعمت هایی را که به بنده ای داده ام نپذیرم تا شکر کند کسی را که نعمت من توسط او به وی رسیده است^[37].»

۴. امام سجاد(علیه السلام) در رساله حقوق می فرماید: «حق کسی که به تو خوبی می کند این است که از او تشکر نمایی و احسانش را به زبان آوری و از وی به نیکی یاد کنی و میان خود و خداوند برایش خالصانه دعا کنی. اگر چنین رفتاری کردی، بدون شک در نهان و آشکار از او قدردانی کرده ای. علاوه بر آن اگر روزی توانستی نیکی او را جبران کنی، سعی کن جبران نمایی^[38].»

۵. از حضرت علی(علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «بر عهده کسی است که به او انعام و احسانی شده، اینکه به خوبی و به نحو شایسته، بر نعمت دهنده نیکی کند و نعمت و احسان او را جبران نماید. اگر از جبران عملی و «مکافات» ناتوان بود، با ستایشی شایسته و ثنای نیک برخورد کند، اگر از ستایش زبانی هم ناتوان بود، حداقل نعمت را بشناسد و به نعمت دهنده محبت داشته باشد. اگر این را هم ندارد و نتواند، پس شایسته آن نعمت نیست^[39].»!

از روایات ذکر شده استفاده می شود که ثناگفتن و تحسین نمودن یا تشکر از افراد خدمتگزار برای تشویق آنان و دگران، نه تنها جایز است، بلکه اولیای دین در این باره دستور داده اند که این وظیفه مفید و ثمر بخش را در جای خود بپذیرند.

³⁷ سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج 1، ص 701

³⁸ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص 271

³⁹ بحار الانوار، مجلسی، ج 68، ص 50

سپاسگزاری و قدردانی از خدمات و نیکی های دیگران، در سیره معصومین (علیهم السلام) به طور فراوان قابل مشاهده است. که گاه کمترین خدمت را با بزرگترین نعمت پاسخ می گفتند، به عنوان نمونه، «داستان هدیه دادن یکی از کنیزان امام حسین (علیه السلام) شاخه گلی را به آن حضرت و آزاد ساختن او به وسیله امام (علیه السلام) معروف است، و هنگامی که از حضرتش توضیح خواستند که این خدمت بزرگ چگونه در مقابل آن کار کوچک قرار می گیرد فرمود: «كَذَا أَدَّبَنَا اللَّهُ؛ این گونه خداوند ما را ادب کرده است»⁴⁰ و همچنین نقل شده: «در دوران شیرخوارگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چند روز «ثویبه» کنیز آزاد شده ابولهب به او شیر داد. سپس «حلیمه سعدیه» عهده دار این کار شد و از پیامبر سرپرستی کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سبب محبت های ثویبه در دوران شیرخوارگی، به او احترام می کرد و از مدینه برای او که در مکه می زیست، لباس و هدیه های دیگر می فرستاد»⁴¹.

دلایل زیادی وجود دارد تا قدردان دیگران باشیم. از مسائل کوچک گرفته تا موردی مانند تشکر از پدر و مادر. مثلاً تشکر از کسی که جایش را در اتوبوس به ما می دهد یا خود را کنار می کشد تا ما رد شویم. تشکر از کسی که یک لیوان آب به ما می دهد یا برای راه انداختن کارمان تلاش می کند.

در زندگی روزانه با توجه به جمعی بودن نوع زندگی مان بسیار پیش می آید که دیگران به ما کمک کنند، برایمان کاری انجام دهند یا به هر طریقی باری از روی دوشمان بردارند و البته بالعکس؛ ما برای دیگران سودمند می شویم. در این شرایط دلمان می خواهد از ما سپاسگزاری شود. اگر از زبانشان نشنویم ممکن است دلخور شویم و همین طور دیگران، شکی نیست که شکر مخلوق علاوه بر این که اطاعت از فرمان خالق است برای خود فرد هم آثار روحی و روانی به سزایی دارد، و اگر بدانیم

⁴⁰ بحار الانوار، جلد 44، صفحه 195
⁴¹ بحار الانوار، مجلسی، ج 15، ص 401

قدردانی چه تاثیری در دیگران دارد مسلماً از آن بیشتر استفاده می کنیم، تشکر از دیگران آثار فراوانی در پی دارد که به چند نمونه آن اشاره می شود:

۱. امیر المومنین علی (علیه السلام) فرمود: «آن کسی که به تو نعمت می دهد و شکرش را ادا می کنی اگر قلباً از تو راضی باشد شکرت بر خشنودی و وفایش می افزاید و اگر بر تو خشمگین باشد شکر تو موجب صلاح ضمیر و عطوفتش می گردد».^{۴۲}

زیان های ناسپاسی

ترک شکرگزاری مخلوق، یا ناسپاسی در برابر بخشندگان نعمت، دلیل بر روح ناسپاسی در وجود شخص است که به خاطر آن، ارزشی برای زحمات و نعمت های مردم قایل نیست، بلکه گاه خود را طلبکار هم می داند، چنین کسی به یقین در برابر خالق متعال نیز شکرگزاری نخواهد کرد، به خصوص این که نعمت هایی که مردم به یکدیگر می دهند چون محدود است و گاه، به چشم می آید، برخلاف نعمت های الهی که تمام وجود ما را در تمام عمر احاطه کرده و به همین دلیل گاه از شدت ظهور مخفی و پنهان می شود، تشکر کردن همانطور که دارای منفعتی است ترک آن نیز دارای مضرات فراوانی است که چند نمونه از آن را بیان می کنیم:

یکی از نشانه های مهم فرومایگی و پستی یک انسان این است که در برابر خوبی ۱. مردم و یا نعمت های بی پایان خداوند قدرشناس باشد. امام حسن (علیه السلام) در همین زمینه می فرماید: «اللوم ان لا تشکر النعمه».^{۴۳} پستی این است که سپاسگزار نعمت «نباشی».

انسان ناسپاس هم ردیف چهارپایان است همانطور که در روایتی حضرت علی (علیه ۲. السلام) فرمود: «کسی که از نعمت بخشی و احسان دیگران سپاسگزاری نکند، باید او را از چهارپایان به شمار آورد»^{۴۴}

شخصی که از زحمات دیگران تشکر نمی کند راهزن نیکی است همانطور که در ۳.

^{۴۲} غررالحکم، آمدری، ج ۴، ص ۱۶۱، ح ۵۶۶۸ و ح ۵۶۶۹

^{۴۳} تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۲۳۶

^{۴۴} غررالحکم، آمدری، ج ۱، ص ۵۷۸

حدیثی امام صادق (علیه السلام) فرمود: «خدا لعنت کند راهزنان نیکی را. سؤال شد راهزنان نیکی چه کسانی هستند؟ فرمودند: کسی که به او نیکی شود، و او ناسپاسی کند، در نتیجه نیکوکار را از نیکی به دیگران باز دارد»^{۴۵}

وقتی از دیگران به دلیل کاری که کرده اند تشکر نکنیم کار او جلوه نمی کند و به ۴۰ چشم نمی آید و همین ندیدن دیگران و اهمیت قائل نشدن برای آنان باعث می شود فرد احساس امنیت خاطر نداشته باشد.

تشکر از پدر و مادر و از معلم و استاد و از زحمات همسر

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ؛ مرا و پدر و مادرت را شکر گزار باش»^{۴۶}. «و همچنین می فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ»^{۴۷} ما به انسان درباره پدر و

مادرش سفارش کردیم، مادرش هر روز با زحمتی روی زحمت حمل کرد (و دوران بارداری را با رنج های فراوان پشت سر گذاشت) و دوران شیر خوارگی او در دو سال (با زحمت فراوان) صورت می گیرد، به انسان گفتیم که برای من و برای پدر و مادرت

شکرگزاری کن که بازگشت همه شما به سوی من است». امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ؛ کسی که از پدر و مادرش تشکر نکند از خداوند متعال تشکر نکرده است»^{۴۷}، نیز فرمودند: «ان الله أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ؛ همانا خداوند فرمان داده است از او و پدر و مادر تشکر کنید»^{۴۷}. «در این آیه احترام،

قدردانی و اطاعت از والدین، در کنار پرستش خداوند بیان شده و مورد تأکید قرار گرفته است .

علم نعمتی است از جانب خداوند و باید او را در برابر این نعمت، شکرگزاری نمود، لکن مجرای فیض علم، معلم است، لذا انسان علاوه بر سپاس از خدا، باید از آموزگاران،

^{۴۵} کافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۳، ح ۱

^{۴۶} لقمان، آیه ۱۴.

^{۴۷} بحار الانوار، مجلسی، ج ۷۴، ص ۶۸

دبیران، مدرسین و اساتید خود در هر مرتبه و مقامی که هست، قدردانی نماید. امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرماید: «اکرم ضیفک و ان کان حقیرا و قم من مجلسک لایبک و معلمک و ان کنت امیرا؛ مهمانت را احترام کن اگر چه او از نظر شخصیت اجتماعی ارزش والایی ندارد و همچنین به احترام پدر و معلمت قیام کن و بر پا خیز، اگر چه فرمانروای جامعه باشی».^{۴۸}

یک راه ساده و کم هزینه به جهت خوشحال نمودن همسر، تشکر و قدردانی نمودن از فعالیت های صورت گرفته در خانواده است. این روش می تواند با یک عمل یا گفتار ساده صورت گیرد.^{۴۹}